بررسی وضعیت نابرابری منطقه ای در استان خراسان رضوی

دکتر مجید یاسوری (دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه گیلان)
m yasoori@yahoo.com

چکیده

شناخت نابرابری‌ها و بی تعادلی‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف (کشور، استان، شهرستان و بخش) و در نتیجه پی بردن به اختلافات وتفاوت‌های موجود و سیاست گذاری در جهت رفع وکاهش نابرابری‌ها از وظایف اساسی متولّیان توسعه‌ی مناطق به شمار می آید. بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و تعیین وضعیت برخورداری مناطق در راستای تدوین راهبردهای توسعه‌ی مناطق، امری ضروری است. نوشتار حاضر، با هدف شناخت وضعیّت توسعه یافتگی مناطق استان خراسان رضوی به دنبال تاثیر سیاست‌های دولت(سرمایه گذاری‌ها) دروضعیّت این مناطق است. در این تحقیق معیارهای برخورداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حکایت از عدم تعادل شدید بین نواحی استان به ویژه شهرستان‌های مشهد، نیشابور، سبزوار و سایر مناطق، توسعه‌ی نامتوازن و بخشی‌نگری در برنامه‌های گذشته، نبود ارتباط بین سرمایه‌گذاری و شاخص‌های توسعه است. این موضوع گرایش‌های سرمایه‌گذاری دولت در برنامه‌های گذشته و نبود توجه کافی به زیرساخت‌های تولیدی در مناطق به ویژه در مناطق مرزی، را نشان می دهد. سیاستی که نتوانسته است به کاهش نابرابری منطقه ای منجر شود.

کلیدواژه‌ها: خراسان رضوی، شاخص های توسعه، توزیع فضایی، سرمایه گذاری دولتی، توسعه.

درآمد

برنامه‌های توسعه باید به دنبال بهبود و ارتقاء سطح زندگی باشد. این موضوع نه تنها با بالا بردن قدرت خرید، بلکه برخورداری از امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و سایر امکانات زیر بنایی است. کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای و به خصوص بین شهر و روستا به منظور جلوگیری از حرکات و جابه جایی نیروی انسانی و سرمایه در

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۶ تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۹/۲

فراهم سازی زمینه‌های توسعه بسیار مؤثّر است . برنامه‌ریزی روستایی به دنبال دگرگونی و بهتر شدن شرایط اجتماعی و تغییر سیستم فرهنگی و اقتصادی جامعه به منظور رسیدن به توسعه‌ی روستایی است . بنابر این در برنامه‌های روستایی، اهداف : اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه است . [کامران ، ۱۳۷۴: ۲۷]

توسعه به مفهوم افزایش توانایی‌های انسان در بهره برداری بهینه از محیط خویش است. بهره برداری عقلانی به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وابسته است . بنابراین هرگونه شرایطی که در افزایش توانایی در مناطق مؤثّر واقع شود ، موجب فراهم شدن زمینه‌های توسعه می گردد . مهاجرت ، فقر ، پایین بودن تولید و بهره‌وری ، بیکاری و ... در مناطق مختلف کشور نتیجه‌ی عملکرد ناکارای نهادهای اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، رکود کشاورزی ، رشد بی رویه‌ی جمعیت و سیاست‌های تبعیضی شهر و روستا و برخوردار نبودن از امکانات زیر بنایی ، رفاهی و تولیدی است . هر چند واژه‌ی توسعه دارای تعابیر و مفاهیم مختلفی است، اما در بیشتر تعابیر به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح زندگی ، رفع فقر و محرومیت ، ارتقای سطح برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی ، کاهش بیکاری و تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و اجتماعی تاکید شده است . (حسینی ، ۱۳۷۰: ۱۵)

استان خراسان در مجاورت باکشورهای افغانستان وترکمنستان در شرق کشور واقع شده است . وسعت زیاد، پراکنش ناموزون نقاط سکونتگاهی به دلیل اثر پذیری از وضعیت خاص محیط طبیعی ، واقع شدن در منطقه‌ی خشک ونیمه خشک، پایین بودن میزان بارندگی وتوزیع نامناسب زمانی ومکانی ، بالابودن درجه‌ی تبخیر وتعرّق وجدا افتادگی طبیعی وپراکندگی شدید نقاط سکونتگاهی وآشفتگی فضایی و نابرابری منطقه ای را به دنبال داشته و در بروز وشکل گیری برخی از مناطق حاشیه ای وعقب مانده تأثیر زیادی داشته است .

طرح مسأله

بررسی نابرابری و وجوه آن درمحدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان وسیاست‌مداران قرار گرفته است. وجود نابرابری وابعاد مختلف آن ،از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است، زیرا درحقیقت کشورهایی توسعه‌یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر این که ازشاخص‌های اقتصادی واجتماعی بالا برخورداراند ، توزیع درآمدها و امکانات نیزدر آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است.(مصلی نژاد،۱۳۸۴ : ۵۶)

تمرکز زیر ساخت‌های اقتصادی و سرمایه گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلندمدت نـابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این موضوع در جریان تولید مناطق پیشرفته و عقب‌مانـده تـأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابه جایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و منطقه‌ی دیگر از توسعه باز می‌ماند. چـرا کـه خـروج عـواملی نظیـر سـرمایه و نیـروی انـسانی متخـصص از منـاطق فقیـر، ممکـن اسـت منجـر بـه کـاهش تـوان منطقـه‌ی فقیـر شـود. (Johnson,۱۹۷۰:۱۱۸) یکی از مهمترین موارد نابرابری‌ها ، نابرابری فضایی است. منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی در فضاست. نابرابری فضایی می‌توانـد شـامل نـابرابری‌هـای بـین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و ... باشد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۱)

نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده‌ی بهینه به عمل نیاید، موجبات تـراکم جغرافیـایی فقـر و تـشدید محرومیت برخی از مناطق را فـراهم کنـد، باعـث تـضعیف انـسجام ملـی و جامعـه شـود ، تخـصیص بهینـه و داوطلبانه‌ی نیروی انسانی به ویـژه نیـروی انـسانی متخـصص را در منـاطق نـاممکن مـی‌سـازد ، باعـث تـشدید مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه‌ی جمعیّت در فضا را غیرممکن مـی‌سـازد. بـه طـور خلاصـه نـابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین، نـابرابری‌هـای فضایی می‌تواند به اساس وحدت ملی آسیب رسانده و پیشرفت عمومی اقتصاد را نیز متوقف سازد. (همان:۲۲۰) از این رو امروزه از دیدگاه عدالت اجتماعی، توسعه دیگربه معنای رشد تلقی نمی‌شود، بلکـه بـه معنـای وجـود امکانات و توزیع عادلانه است. شناخت نابرابری‌ها وعدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است ولازمه‌ی گام برداشتن در این راستا، شناخت وضعیت موجود هر یک از اجـزاء مجموعـه‌هـای برنامه‌ریزی، اعمّ از: کشور ، استان ، شهرستان و بخش و در نتیجه پی بردن به اختلافات وتفاوت‌هـای موجـود و سیاست گذاری در جهت رفع وکاهش نابرابری‌ها در هریک از اجزاء این مجموعه است. در این زمینه توجـه بـه نابرابری‌ها منطقه ای در قالب شاخص‌ها ، از جمله مهمترین ابزارهای برنامه ریزی به شمار می رود کـه از طریـق آن برنامه ریزان قادر به تدوین وارزشیابی فرایند و نتایج برنامه ریزی خود در بستر فضای جغرافیایی خواهند بود . این روند در صورتی که به صورت منطقی وعلمی مورد توجه برنامه ریزان قرار گیـرد مـی‌توانـد ابعـاد مختلـف برنامه‌ریزی را در بخش‌های مختلف به شکل بارز نمایان ساخته ومناطق برنامه ریزی را در فرایند سلسله مراتبـی ودرقالب واحدهای همگن مطرح نماید. اصولاً نابرابری‌های منطقه ای از دو زمینه‌ی اصلی نشأت می گیرد:

۱. نخست شرایط طبیعی، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه‌ی جغرافیایی(خصوصیات ذاتی مناطق)؛
۲. تصمیمات سیاست گذاران وبرنامه ریزان اقتصادی .

یکی‌از اساسی‌ترین سیاست‌های اجرایی دولت درطول برنامه‌های توسعه ، ایجاد تعادل‌های‌منطقه ای از طریق سرمایه گذاری در مناطق است. این سرمایه گذاری‌ها در زمینه‌های مختلف صورت می گیرد. برخی از این زمینه‌ها عبارت است از:

الف) انجام طرح‌های عمرانی در زمینه‌ی راه مناسب روستایی و برق رسانی، بهداشت وآب‌رسانی، فضاهای آموزشی ، پستی ومخابراتی وکمک به آماده‌سازی زمین‌برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه تمام؛

ب) توسعه‌ی فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا وخود اشتغالی در روستاهای محروم ازطریق مابه التفاوت کارمزد وسود مورد انتظار بانک در امور آب ، کشاورزی ، صنعت ، مسکن و امور اجتماعی وپیش بینی آن در بودجه‌های سنواتی؛

پ) رعایت اولویت درانتخاب واجرای‌طرح‌های اموراجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم؛

ت) احداث فضاهای‌چند منظوره فرهنگی ،آموزشی، تربیتی، هنری و ورزشی در مراکز جمعیتی نقاط محروم کشور . به منظوراجرای عملیات مذکور،دولت موظّف شده است که ضریب محرومیت کلیه‌ی روستاها را براساس برخورداری از طرح‌های‌عمرانی‌معیّن نموده و برمبنای‌اولویت هرروستا ، اعتبار لازم را منظورنماید.(سازمان مدیریت ، قانون برنامه دوم و سوم)

گاهی تکیه به منابع محلی و ملی نمی‌تواند زمینه‌های تحرّک توسعه‌ی مناطق را فراهم نماید، لذا سیاست‌های برون نگر و جذب سرمایه گذاری خارجی برای ایجاد و افزایش کارایی منطقه‌ای می‌تواند منجر به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی شود(صرافی ، ۱۳۷۷: ۱۰۱) .

درراستای اهداف بالا، تحقیق حاضر سعی دارد با گردآوری شاخص‌ها وسنجه‌های مختلف در زمینه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی وکالبدی، میزان برخورداری شهرستان‌های استان خراسان را از امکانات، تسهیلات وخدمات عمومی مشخص کرده و به رتبه بندی و سطح بندی آن‌ها بپردازد تا با شناساندن میزان برخورداری‌ها و نارسایی‌های هرشهرستان که در نتیجه‌ی سیاست‌های دولتی و سرمایه گذاری‌هاست، در

بخش‌های مختلف مسؤولان تصمیم گیر را در زمینه‌ی برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی برای شهرستان‌ها یاری نماید. امید است که نتایج این تحقیق بتواند به منظور توزیع شهرستانی اعتبارات در برنامه ریزی وارایه الگوی توزیع شهرستانی به کار گرفته شود. مهمترین سوالی که در این تحقیق مطرح بوده، این است که آیا سرمایه گذاری‌های دولت در کاهش نابرابری منطقه ای مؤثر بوده است؟

متدلوژی تحقیق

این تحقیق به روش استقرایی و به صورت توصیفی و ژرفانگر انجام شده است. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از بخشداری‌های سراسر استان و اطلاعات تهیه شده از سالنامه‌های آماری و سازمان مدیریت در زمینه‌ی اعتبارات اختصاص یافته، به تشکیل بانک اطلاعات در محیط نرم افزاری اکسل و با استفاده از روش شاخص ناموزون موریس به تجزیه و تحلیل اطلاعات و رتبه بندی نواحی روستایی اقدام شده است. همچنین اطلاعات جمع آوری شده به لایه‌ی اطلاعات مکانی در سطح شهرستان‌های استان در نرم افزارهای جی. آی. اس متصل شده تا امکان تحلیل منطقه‌ای و تهیه‌ی نقشه‌های مربوط فراهم شود.

روش‌های تعیین توسعه یافتگی

اصولاً برای رتبه بندی و تعیین درجه‌ی توسعه یافتگی روش‌های گوناگونی موجود است، یکی از روش‌ها تاکسونومی عددی است. این روش در سال ۱۹۶۸ به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی توسعه یافتگی بین ملل مختلف در یونسکو مطرح گردید. (الهی، ۱۳۸۰: ۳۸)

روش دیگر، روش فاکتور آنالیز است. این روش برای تعیین درجه بندی و مقایسه‌ی مناطق با توجه به درجه‌ی توسعه یافتگی است. از این روش در توسعه یافتگی استان‌های کشور و در سطح شهرستانی و مناطق روستایی و موارد مشابه استفاده شده است.

یکی دیگر از روش‌ها، روش استاندارد کردن است. در این روش با تقسیم کردن انحراف مقادیر صفت از میانگین به انحراف معیار، مقادیر اصلی استاندارد شده و متغیّرها از مقیاس رها می‌شوند و با جمع جبری مقادیر استاندارد شده شاخص ترکیبی به دست می‌آید. برای تبدیل مقادیر شاخص به استاندارد از فرمول زیر استفاده می شود:

$$Z = \frac{(x_{ij} - \bar{x}_i)}{\sqrt{\frac{\Sigma(x_i - \bar{x}_{i)}^2}{N}}}$$

در این معادله:

Z= مقادیر استاندارد شده

X_{ij}=مقدار متغیّر i در منطقه j

X_i=میانگین متغیّر i

N= تعداد مناطق

روش دیگر روش ضریب محرومیّت است. این روش توسط UNDP برای محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. برای محاسبه‌ی ضریب محرومیت مناطق دو روش وجود دارد که نتایج هر دو یکسان است. به منظور آشنایی با نحوه‌ی اجرای این روش، به کتاب برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه ای مراجعه شود.

روش دیگر روش ضریب اختلاف است. برای سنجش این که تا چه حد مقدار یک شاخص به طور نا متعادل در بین مناطق توزیع شده است، از روش ضریب اختلاف (cv)، که گاهی آن را عامل ویلیامسون نیز می نامند، استفاده می شود. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\Sigma_{i1}(xi - \bar{x}_i)^2}{N}}}{\frac{\Sigma_i{}^N =_2 \ x_i}{N}}$$

در این معادله:

X_i=عبارت است از مقدار یک شاخص در یک منطقه‌ی خاص

$\bar{x}$ =میانگین شاخص i

N=تعداد مناطق

این روش برای بررسی روند نابرابری‌های موجود در شاخص‌های توسعه در بین نواحی در سطح وسیع مورد استفاده قرار گرفته است، که مقدار بالای (cv) نشان دهنده‌ی نابرابری بیشتر در توزیع شاخص بالاست.

روش دیگر، روش شاخص ناموزون موریس است . برنامه‌ی عمران سازمان ملل متحد ، الگویی برای درجه‌بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی ـ انسانی) ، به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی است وهم این که قابلیت گسترش وجایگزینی آن‌ها در فضاهای مورد برنامه ریزی با مقیاس‌های مختلف ومتنوّع قابل اجراست . این روش به نام الگو موریس معروف است [معمارزاده ، ۱۳۷۴ : ۱۸۵].

روش موریس یکی از روش‌های مؤثر در زمینه ترکیب منطقی شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی نواحی است که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. برای کسب اطلاع بیشتر از این روش به کتاب "اصول و روش‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای" تألیف دکتر حسین زاده دلیر مراجعه شود.

شاخص‌های به‌کار رفته در تحقیق

اقتصاددانان و جامعه شناسان توسعه، اغلب در تبیین و توضیح پدیده توسعه ، از معیارها و شاخص‌های متفاوتی استفاده می کنند . معمولاً در بحث توسعه ، اقتصاددانان به ضوابط کمّی اقتصادی توجه دارند و جامعه شناسان به شاخص‌های اجتماعی. باید افزود که هیچ یک از این شاخص‌ها به تنهایی نمی‌توانند بیانگر جنبه‌های متعدد و پیچیده توسعه باشند . همچنین توسعه یک موضوع چند بعدی و همه جانبه در ساختار اقتصادی ـ اجتماعی وزیر بنایی یک منطقه یا یک کشور است و بیشتر متغیّرهای آن به صورت کیفی‌اند و تبدیل آن به شاخص‌های کمّی امروز تقریباً مشکل است، ولی پژوهشگران به هر حال ناگزیر هستند که از شاخص‌هایی که بتوانند آثار توسعه را در یک منطقه نشان دهند، استفاده کنند . امروزه این نیاز احساس می‌شود که بدانیم توده مردم به چه میزان از توسعه برخوردارند . هر یک از این مشکلات حاکی از نیاز به انواع گوناگون شاخص‌های متفاوت به منظور تدوین آن‌هاست .[شهدادی ، ۱۳۶۷: ۵۴]

تعیین شاخص‌های توسعه مهمترین قدم در مطالعات توسعه‌ی منطقه ای است. شاخص‌های توسعه در واقع بیان آماری پدیده‌های موجود در منطقه است. بنابراین متغیّرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی باید در قالب یک چارچوب تئوریکی مشخص و منطقی به شاخص تبدیل شوند. نسبت‌های مختلف ، درصدها ، نرخ‌های رشد ، مقادیر سرانه و غیره مواردی هستند که تحت منطق و چارچوب تئوریکی خاص به عنوان شاخص‌های توسعه به کار می روند.

نکته‌ی مهم در مرحله‌ی شاخص سازی این است که زمانی که شاخص‌های توسعه انتخاب می شوند، باید معنی دقیق مفاهیمی چون تنوع طبیعی [۱] و نابرابری [۲] مورد توجه قرار گیرد. در بیشتر مطالعات توسعه‌ی منطقه ای تفاوت بین آن‌ها نادیده گرفته شده و طبیعتاً شاخص‌های انتخاب شده نیز از دقّت لازم برخوردار نیستند. نابرابری به خاطر ناتوانی در استفاده بهینه از پتانسیل‌های طبیعی یک منطقه در مقایسه با منطقه‌ی دیگر به وجود می آید، در حالی که تنوّع طبیعی محصول تفاوت در مواهب طبیعی در مناطق مختلف است.در این زمینه، متغیّرهای مربوط به سودمندی و بهره‌برداری زمین، بیانگر تنوّع طبیعی است به همین دلیل این گونه شاخص‌ها نباید با سایر شاخص‌های کشاورزی نظیر سطح مکانیزاسیون یا میزان استفاده از کود شیمیایی و غیره با یکدیگر ادغام شوند. شاخص‌های تنوع طبیعی به توسعه ای که محصول دست بشر باشد مربوط نیست، بلکه به ساختارها مربوط است. بنابراین شاخص‌هایی که به ساختارها مربوط اند و شاخص‌هایی که به توسعه مربوط می شوند، باید از هم جدا شوند. در حالی که در بسیاری از مطالعات منطقه ای تفاوت بین شاخص‌های تنوّع طبیعی و شاخص‌های نابرابری به طور کلی نادیده گرفته می شود. در برخی از این تحقیقات پدیده‌های طبیعی مانند میزان بارندگی نیز به عنوان شاخص توسعه در نظر گرفته می شود، و در برخی دیگر نیز شاخص‌های مربوط به داده‌ها و ستاده‌ها با هم ادغام می‌شوند، به طوری که با ترکیب متغیّرهای تولید کشاورزی و متغیَرهای داده‌های کشاورزی شاخص ترکیبی برای سنجش توسعه‌ی کشاورزی محاسبه می‌شود. در حالی که ستاده‌ها نتیجه‌ی ترکیب بهینه‌ی داده‌هاست و زمانی که شاخص‌های مربوط به داده‌ها و ستاده با همدیگر ترکیب شوند، منجر به هم‌پوشی شاخص‌ها می‌شوند. بنابراین باید در انتخاب شاخص‌هایی که با همدیگر هم‌پوشی دارند پرهیز کرد، زیرا انتخاب این گونه شاخص‌ها منجر به سنجش مجدد یک پدیده‌ی خاص گردیده و ممکن است نتیجه‌ی محاسبات را تحت تأثیر قرار دهد.

از سوی دیگر در انتخاب شاخص‌های توسعه باید دقّت کرد تا شاخص‌های توسعه ی مثبت با شاخص‌های منفی ترکیب نشوند. در مواردی به طور ناشیانه شاخص‌هایی مانند تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ده هزار تن، که یک شاخص مثبت بهداشتی است، با شاخص نرخ مرگ و میر کودکان کمتر از پنج سال ،که یک شاخص منفی است، با همدیگر ادغام می‌شوند. در حالی که اگر هدف انتخاب شاخص‌های مثبت باشد، باید یا

---

۱. Diversity(تنوع طبیعی یا نابرابری طبیعی)

۲. Disparity (نابرابری ساخته دست بشر)

از انتخاب شاخص‌های منفی پرهیز نمود و یا شاخص‌های بالا را به شاخص‌های مثبت تبدیل کرد تا امکان ترکیب شاخص‌ها فراهم شود. روش ساده برای تبدیل این گونه شاخص‌ها به کارگیری عمل متقابل (معکوس کردن شاخص) است.

تفسیر برخی شاخص‌ها نیز باید با احتیاط و دقّت لازم انجام گیرد، به عنوان مثال اگر شاخص‌هایی نظیر نسبت معلم به دانش آموز به عنوان شاخص‌های آموزشی انتخاب شوند، ممکن است تفسیر این گونه شاخص‌ها از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. ممکن است تعداد دانش آموز نسبت به معلم در یک منطقه‌ی شهری به دلیل کمبود معلم ، بسیار بالا باشد که این پدیده دلیلی بر توسعه نیافتگی آموزشی است. از طرف دیگر ممکن است تعداد دانش آموز نسبت به معلم در مناطق روستایی به دلیل عدم ثبت نام دانش آموزان و ترک تحصیل آن‌ها بسیار کم باشد، که در این صورت نیز این شاخص بیانگر توسعه نیافتگی آموزشی خواهد بود. بنابراین در تفسیر شاخص‌ها نیز باید موقعیّت و وضعیّت منطقه مورد توجّه قرار گیرد.

تعداد شاخص‌های توسعه نیز از موضوعات اساسی در مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای است. اگر هدف سنجش توسعه اجتماعی- اقتصادی مناطق باشد، هر یک از بخش‌های صنعتی ، کشاورزی ، بهداشتی، آموزشی ، خدمات زیر بنایی و غیره ، باید سهم مناسبی از تعداد شاخص‌های انتخاب شده را به خود اختصاص دهند، در غیر این صورت نتیجه‌ی واقعی به دست نمی‌آید. فرض کنید در مطالعه ای مجموعاً بیست شاخص انتخاب شده است. از مجموع آن‌ها سیزده شاخص در زمینه‌ی آموزش ، دو شاخص در مورد مسائل صنعتی، دو شاخص کشاورزی ، دو شاخص بهداشتی و یک شاخص خدمات زیر بنایی انتخاب شده است. با چنین ترکیبی ، طبیعی است که شاخص‌های آموزشی به دلیل داشتن سهم بیشتر، بر ابعاد دیگر توسعه غلبه کرده و نتیجه‌ی محاسبات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل ممکن است مناطقی که دارای امکانات و وضعیت بهتری از نظر شاخص‌های آموزشی باشند، به عنوان مناطق توسعه یافته تر در رأس قرار گیرند، هر چند که ممکن است این مناطق از نظر ابعاد دیگر جزو مناطق متوسط و یا حتی عقب مانده باشند. بنابراین انتخاب تعداد شاخص‌ها از هر یک از ابعاد موضوع مورد مطالعه ، در ارایه نتیجه‌ی دقیق و واقعی نقش تعیین کننده ای دارد.

در مواردی که امکان انتخاب شاخص متناسب برای بخش‌های مختلف وجود نداشته باشد و اختلاف زیادی بین تعداد شاخص‌ها در بخش‌های مختلف وجود داشته باشد، برای جلوگیری از غلبه‌ی یک بخش بر بخش‌های دیگر، بهترین راه این است که ابتدا برای بخش‌های مختلف به طور جداگانه شاخص ترکیبی

محاسبه شده و در مرحله‌ی دوم با استفاده از شاخص‌های ترکیبی بخش‌های مختلف ، شاخص ترکیبی دیگری محاسبه شود. در این صورت در مرحله‌ی نهایی هر یک از بخش‌ها تنها یک رأی خواهند داشت و امکان غلبه یک بخش بر بخش‌های دیگر کاهش می یابد.

آنچه که در مورد شاخص‌های توسعه به اجمال بیان شد، نشان می دهد که در انتخاب این گونه شاخص‌ها و تفسیر آن‌ها باید سعی کرد که از مشکلات مطرح شده در بالا پرهیز نمود و تنها شاخص‌هایی را انتخاب کرد که ارتباط منطقی با پدیده‌ی توسعه دارند. کاربرد تعداد زیادی شاخص و انتخاب فله‌ای آن‌ها ممکن است نتیجه‌ی مطالعه را منحرف کرده و به بیراهه ببرد. در حالی که با انتخاب هدف‌مند تعداد معدودی شاخص، ممکن است بتوان به نتایج واقعی دست یافت. به عنوان مثال درآمد سرانه و درآمد ملی به عنوان شاخص عمومی سنجش توسعه مورد پذیرش برنامه ریزان و سیاست گذاران توسعه قرار گرفته است. افراد زیادی برای تعیین توسعه یافتگی یا عقب ماندگی یک منطقه از شاخص درآمد سرانه کمک گرفته‌اند و مناطقی که از درآمد سرانه‌ی بالایی برخوردار بوده اند، به عنوان مناطق توسعه یافته تلقی شده اند(طاهری ، ۱۳۷۶: ۳۶)

از شاخص‌ها می توان برای اندازه گیری وضعیت موجود یا روند تاریخی تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاست گذاری، تعیین میزان پیشرفت و ارزشیابی شناسایی مناطق عقب مانده و اندازه گیری نابرابری‌های منطقه‌ای درسطوح مختلف فضایی و جغرافیایی استفاده کرد. در این مطالعه بیش از نود شاخص به عنوان شاخص‌های اولیه‌ی تحقیق در نظر گرفته شده است . به منظور پرهیز از افزایش حجم مقاله از ذکر عناوین شاخصه خودداری شده است. پس از ورود اطلاعات شاخص‌ها در رایانه و انجام اصلاحات لازم با استفاده از روش شاخص ناموزون موریس و ضریب محرومیت به رتبه بندی شهرستان‌ها در برخورداری از شاخص‌های توسعه‌ی روستایی اقدام شده است . به منظور بررسی وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان خراسان در زمینه‌ی شاخص‌های توسعه ، مهمترین شاخص‌هایی که بیانگر وضعیت برخورداری مناطق از امکانات محیطی، تولیدی، خدماتی ، زیر بنایی و رفاهی است ، به کار گرفته شده است.اطلاعات لازم برای تهیه‌ی شاخص‌های بالا از منابع موجود، اعمّ از نتایج سرشماری‌ها ، فرهنگ آبادی‌ها ،گزارش‌های توسعه‌ی شهرستانی و اطلاعات موجود در سازمان مدیریت وبرنامه ریزی‌استان خراسان رضوی، گزارش‌های تهیه شده توسط دستگاه‌های اجرایی استان و سالنامه‌ی آماری سال‌های گذشته جمع آوری و تکمیل شده است . با استفاده ازشاخص‌های بالا به رتبه بندی شهرستان‌های استان اقدام شده است . نتایج به دست آمده از سر جمع شاخص‌های توسعه در جدول زیر نشان می دهد که شهرستان مشهد در زمینه‌ی برخورداری از شاخص‌های توسعه در رتبه‌ی اول قرار

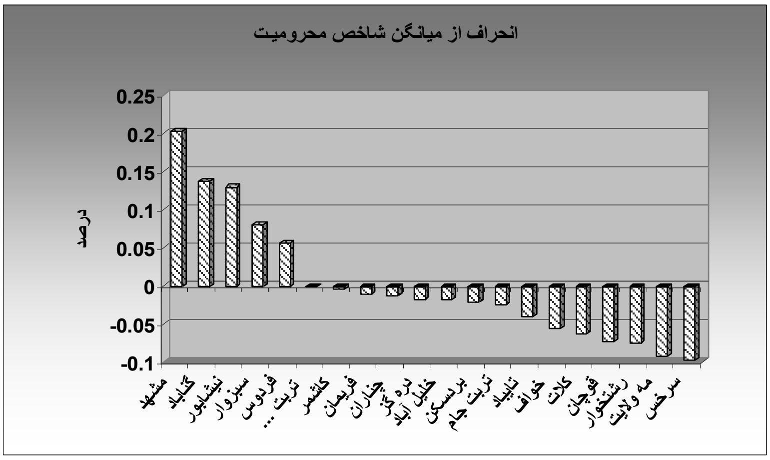
دارد . شهرستان‌های نیشابور، سبزوار ، تربت حیدریه، در رده‌های بعدیقرار دارند. همچنین شهرستان‌های درگز، خواف و شهرستان‌های تازه تأسیس در رتبه‌های آخر قرار دارند .بنابراین نتایج می‌توان گفت شهرستان‌های استان خراسان در زمینه‌ی برخورداری از شاخص‌های توسعه دارای وضعیّت نامتعادل‌بوده و این وضعیّت می‌تواند موجب جابه جایی جمعیت و منابع گردد.

پس از بررسی وضعیت برخورداری و توسعه‌ی شهرستان‌های استان در شاخص‌های مختلف به منظور پی بردن به وضعیت محرومیت درآن زمینه‌ها اقدام شده است. در شاخص محرومیت، که بر اساس ضریب محرومیت به دست آمده وضعیّت هر کدام از شهرستان‌ها بر اساس میانگین محرومیت استان نشان داده شده است. انحراف از میانگین شاخص محرومیّت در زمینه‌های مختلف موقعیّت آن شهرستان را نشان می دهد . بر اساس این شاخص می توان در یک نگاه شهرستان‌هایی که از میانگین استانی پایین تر هستند، شناسایی شوند. این شاخص به سیاست‌گذاران در انتخاب شهرستان‌ها و مناطقی که باید در اولویّت سرمایه گذاری و حمایت قرار گیرند ، کمک می کند.

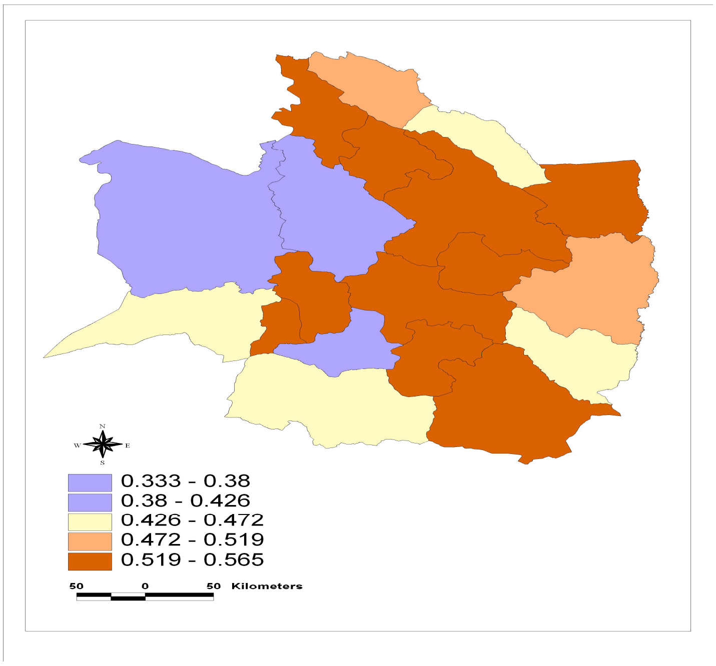
جدول شماره (۱) ضریب برخورداری شهرستان‌های استان از شاخص‌ها

شهرستان	شاخص‌های اقتصادی	رتبه	شاخص‌های اجتماعی	رتبه توسعه
مشهد	۰,۹۵۱۶	۱	۰,۸۱۱۶	۲
نیشابور	۰,۶۸۹۸	۲	۰,۶۵۵۷	۷
سبزوار	۰,۶۴۲۱	۳	۰,۶۳۷۹	۱۰
گناباد	۰,۵۸۰۵	۴	۰,۹۴۹۲	۱
تربت حیدریه	۰,۵۴۳۲	۵	۰,۶۵۳۳	۸
تایباد	۰,۵۳۲۰	۶	۰,۴۳۹۵	۲۰
تربت جام	۰,۴۸۴۵	۷	۰,۵۴۰۶	۱۴
چناران	۰,۴۶۸۶	۸	۰,۶۳۸۶	۹
بردسکن	۰,۴۶۱۶	۹	۰,۶۱۹۳	۱۱
خلیل آباد	۰,۴۵۹۷	۱۰	۰,۶۶۲۷	۶
رشتخوار	۰,۴۵۰۶	۱۱	۰,۵۳۱۱	۱۶
کلات	۰,۴۴۶۳	۱۲	۰,۵۳۷۳	۱۵
فردوس	۰,۴۴۰۹	۱۳	۰,۷۸۳۷	۳
فریمان	۰,۴۲۶	۱۴	۰,۵۹۲۱	۱۲
کاشمر	۰,۴۱۸۷	۱۵	۰,۷۰۰۶	۵
خواف	۰,۴۰۸۰	۱۶	۰,۵۶۷۶	۱۳
قوچان	۰,۴۰۴۵	۱۷	۰,۵۲۸۱	۱۷
سرخس	۰,۳۹۴۶	۱۸	۰,۴۹۱۲	۱۸
مه ولایت	۰,۳۸۵۰	۱۹	۰,۴۷۶۵	۱۹
درگز	۰,۳۶۱۰	۲۰	۰,۷۱۷۶	۴

نمودار(۱) انحراف از میانگین شاخص محرومیت در شهرستان‌های استان خراسان رضوی



نقشه (۱) وضعیت برخورداری در شاخص‌های اقتصادی –اجتماعی



بر اساس نمودار شماره (۱) شهرستان‌های مشهد ، گناباد، نیشابور، سبزوار و فردوس در زمینه‌ی شاخص‌های کلی محرومیت از میانگین استانی بالاتر بوده یعنی وضع مطلوبتری داشته اند. شهرستان‌های تربت حیدریه و کاشمر در رده میانه و شهرستان‌های سرخس، مه ولایت ، رشتخوار ، قوچان وکلات در پایین ترین سطح قرار دارند.

وضعیت سرمایه‌گذاری در سطح مناطق استان در برنامه‌ی سوم توسعه

یکی از عوامل اصلی در جهت رفع تنگناها و تحقق قابلیت‌ها و عامل اصلی توسعه‌ی اقتصادی درهر کشور سرمایه است. از طرف دیگر اگر تصور کنیم که با تمرکز سرمایه می‌توان مشکل توسعه نیافتگی اقتصادی را از بین برد، به نوعی ساده اندیشی است، زیرا عوامل دیگری نیز مانند عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و ... در روند توسعه‌ی اقتصادی نقش مؤثر و حیاتی دارند. به عبارت دیگر هر چند تمرکز سرمایه در روند توسعه‌ی اقتصادی نقش حیاتی و اصلی دارد عوامل دیگری نیز دارای اهمیت‌اند. مسلم است که برای چیره شدن تنگناهای موجود دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی ضروری است و دولت باید نقش عمده‌ای در روند توسعه‌ی اقتصادی داشته باشد. دخالت دولت در فعالیّت‌های اقتصادی بخش جدایی ناپذیر توسعه‌ی اقتصادی کشورها ست، به ویژه در کشور ایران که به دلیل در دست داشتن منابع عظیم درآمدی می‌تواند از طریق توزیع بهینه‌ی منابع و اعتبارات، نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی اقتصادی کشور و مناطق ایفا کند.

دولت در اولین گام باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب تمام تلاش خود را صرف حل معضلات اجتماعی - اقتصادی موجود بکند. درمراحل اولیه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سرمایه گذاری‌ها باید در آن دسته از طرح‌ها صورت گیرد که صرفه‌جویی‌ها در مصارف خارجی را ترغیب می کند. به عبارت دیگر دولت می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های بالاسری اقتصادی و اجتماعی مانند تأمین نیرو، آموزش و پرورش، گسترش شبکه‌ی حمل و نقل، بهبود تسهیلات بهداشتی و جز آن، رشد اقتصادی را تقویت کند. زمینه‌های دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بسیار وسیع و گسترده است. وظایف عمده‌ی دولت عبارت‌اند از: ایجاد خدمات عمومی، تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، تشکیل نهادهای اقتصادی، ایجاد فرصت‌های مناسب

برای استفاده مطلوبتر از منابع، توزیع مطلوبتر در آمدها و ثروت‌ها، کنترل کمّی پول، کنترل نوسانات اقتصادی، تضمین اشتغال، کامل و ایجاد فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری .

در برنامه‌ی چهارم توسعه آمده است گسترش سرمایه‌گذاری و تولید باید از طریق:

- اولویت‌بندی و تسریع در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌های نیمه‌تمام دولتی؛

- محدود کردن سرمایه‌گذاری دولتی در حوزه‌های حاکمیتی و سرمایه‌گذاری مشترک عمومی و خصوصی به منظور تشویق فعالیت بخش خصوصی؛

- ایجاد نهادهای پشتیبانی برای تشویق فعالیّت‌های تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری, توسعه‌ی فناوری, توسعه‌ی سرمایه انسانی, ارتقای بهره برداری و رقابت‌پذیری؛

- ایجاد نهادهای جدید و حمایت از نهادهای موجود و تأمین تسهیلات مناسب، برای توسعه‌ی کارآفرینی و تشویق کارآفرینان.(سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴ : ۱۳۶)

چگونگی توزیع فضایی اعتبارات و بررسی مکانی سرمایه گذاری دولت، یکی از اهدافی است که می‌تواند در شناخت بهتر و تخصیص بهینه‌ی اعتبارات در مناطق و نقاط مختلف صورت گیرد. هرچند سرمایه گذاری برای رفع محرومیت و برخورداری از امکانات و خدمات است و تا حد زیادی به چگونگی استقرار جمعیت و منابع بستگی دارد، اما بررسی وضعیت توزیع فضایی اعتبارات در برنامه‌ی سوم توسعه در استان خراسان نشان می دهد که برخی از مناطق به هر دلیل توانسته اند سهم بیشتری از اعتبارات را به خود اختصاص دهند. بخصوص چگونگی توزیع اعتبارات ملی در سطح مناطق استان به خوبی نقش جهت گیری‌های دولت و مقامات محلی را در جهت دادن اعتبارات نشان می‌دهد.

یکی از راههای مهم در خصوص شناخت وضعیت نابرابری میان مناطق، بررسی وضعیت سرمایه گذاری دولت در طول برنامه‌های گذشته است. دولت همواره سعی می کند در ارتباط با کاهش نابرابری‌ها و فراهم کردن زمینه‌های رشد و توسعه در همه مناطق به تخصیص بهینه‌ی منابع، از جمله اعتبارات، بپردازد.

در استان خراسان رضوی در طول برنامه‌ی سوم حدود شصت و چهار هزار میلیارد ریـال اعتبـار تخـصیص یافته است. از مجموع اعتبارات تخصیص یافته حدود پنجاه و هشت هزار میلیارد ریـال از منـابع اعتبـارات ملـی و حدود شش هزار میلیارد ریال نیز از منابع استانی بوده است.

در زمینـه‌ی اعتبـارات ملـی بیـشترین سـهم در سـطح اسـتانی (۷۲٫۶) بـوده اسـت. در سـطح شهرسـتانی، شهرستان‌های مشهد با ۶٫۳ درصد ، سرخس با ۴٫۷ درصد ، نیشابور ۲٫۷ درصد و اسفراین با ۲٫۶ درصد بالاترین سهم از اعتبارات ملی را به خود اختصاص داده اند. شهرستان‌های تایباد ، تربت جـام ، درگز،کاشـمر ،گنابـاد، چناران، فریمان ، بردسکن، رشتخوار، کلات ، خلیل آباد هر کدام کمتر از ۰٫۵ درصـد از اعتبـارات ملـی را بـه خود اختصاص داده اند.

در زمینه‌ی اعتبارات استانی، بیشترین سهم به شهرستان مشهد اختصاص دارد. سـهم ایـن شهرسـتان ۱۴٫۵ در صد از اعتبارات استانی در طول برنامه بوده اسـت. سـهم اعتبـارات اسـتانی در سـطح اسـتان ۷٫۷ درصـد از کـل اعتبارات بوده است. پس از شهرستان مشهد ، شهرستان‌های سبزوار بـا ۷ درصـد ، نیـشابور بـا ۶٫۷ درصـد، در رده‌های بعدی قرار دارند. شهرستان‌های رشـتخوار، کـلات ، خلیـل آبـاد هـر کـدام کمتـر از یـک درصـد از اعتبارات استانی را به خود اختصاص داده اند. شهرستان‌های مزبور همگی در طول سال‌های برنامه‌ی سوم ایجـاد شده اند. این وضعیّت نشان می دهد که توزیع اعتبارات در طول سال‌های گذشته متعادل نبوده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت توزیع اعتبارات ملی و استانی، چه در سطح شهرستانی ، چه در سطح دهـستانی و چه در سطح نقاط در طول برنامه‌ی سوم توسعه نامتعادل و نامتوازن بوده است. سرانه‌های توزیـع اعتبـار ، نـسبت توزیع اعتبار به مساحت و نسبت توزیع اعتبار با وضعیت توسعه یافتگی و برخورداری شهرستان‌ها و دهستان‌هـای استان، تناسبی وجود ندارد. به نظر می رسد در توزیع اعتبارات دولتی چندان به وضـعیت برخـورداری منـاطق و سیاست تعادل بخشی توجهی نشده است ، لذا یکی از سیاست‌های توزیع اعتبارات در طول برنامـه چهـارم بایـد در راستای کاهش عدم تعادل‌های منطقه ای باشد.

جدول (۲) میزان اعتبارات عمرانی استانی و ملی در شهرستان‌های استان در طول سال‌های برنامه‌ی سوم(هزار ریال)

شهرستان	اعتبارات استانی	اعتبارات ملی	سهم از اعتباراستانی	سهم از اعتبار ملی
تایباد	۱۷۰۸۷۷۱۷۹	۴۸۱۱۰۵۱۷	۲,۱	۰,۱
تربت جام	۲۹۲۷۰۶۶۸۶	۱۲۴۱۵۴۷۱۸	۳,۶	۰,۲
تربت حیدریه	۳۹۴۹۹۱۶۵۵	۷۳۶۴۹۳۵۰۳	۴,۸	۱,۰
درگز	۲۱۴۵۷۶۰۷۶	۱۷۳۲۸۱۵۰۰	۲,۶	۰,۲
سبزوار	۵۷۴۸۶۳۳۰۱	۱۲۲۱۷۸۲۴۱۰	۷,۰	۱,۶
قوچان	۲۷۵۵۱۶۱۱۳	۱۲۰۳۷۴۸۹۸۳	۳,۳	۱,۶
کاشمر	۱۶۴۸۷۹۹۱۰	۱۰۷۵۲۲۳۸۴	۲,۰	۰,۱
گناباد	۲۶۷۰۱۹۸۳۷	۱۸۱۰۲۰۰۰۰	۳,۲	۰,۲
مشهد	۱۱۹۲۹۳۸۶۶۶	۴۷۵۲۰۸۶۸۰۹	۱۴,۵	۶,۳
نیشابور	۵۴۹۵۶۸۹۷۵	۲۰۵۰۵۷۲۴۱۳	۶,۷	۲,۷
چناران	۱۵۷۴۴۶۴۹۰	۲۰۹۲۴۷۵۱۷	۱,۹	۰,۳
خواف	۱۴۴۸۵۷۱۴۱	۹۰۴۸۱۴۰۰۰	۱,۸	۱,۲
سرخس	۱۴۶۷۴۳۰۱۵	۳۵۲۸۹۸۰۳۹۱	۱,۸	۴,۷
فریمان	۱۲۸۵۱۳۸۲۷	۹۵۲۹۹۹۶۵	۱,۶	۰,۱
بردسکن	۱۱۵۴۱۹۰۹۰	۱۰۴۹۶۸۲۵۰	۱,۴	۰,۱
رشتخوار	۶۸۷۲۱۳۲۵	۳۲۴۰۴۲۰۰۰	۰,۸	۰,۴
کلات	۶۹۷۰۷۹۹۱	۱۹۷۵۶۷۹۲	۰,۸	۰,۰
خلیل آباد	۳۹۸۹۲۰۶۱	۰	۰,۵	۰,۰
سطح استان×	۶۳۱۱۱۳۷۵۱	۵۴۵۸۶۸۳۸۶۵۴	۷,۷	۷۲,۶
کل استان	۸۲۴۴۸۴۹۷۰۸	۷۵۱۷۴۱۷۱۶۸۴	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان رضوی

×: منظور اعتباراتی است که محل جغرافیایی تخصیص آن در محدوده چند شهرستان است و امکـان تفکیـک شهرسـتانی آن وجـود ندارد.

جمع بندی، نتیجه‌گیری

به طور کلی باید گفت که در میان مناطق مختلف استان خراسان نابرابری وجود دارد. این نا برابری‌های فضایی و منطقه ای ریشه در بسیاری از مسائل دارند :

۱. اعمال سیاست‌های نادرست از سوی مرکز در راستای منطقه بندی‌ها ،توزیع بودجه و امکانات، نبود شـناخت کافی از شرا یط و ویژ گی‌های مناطق؛

۲. تقسیمات نامناسب اداری –سیاسی و ناهماهنگی سازمان‌های مختلف با یکدیگر برای ارایه‌ی خدمات بهتر و انجام وظایف محوله؛

۳. تمرکز جمعیت و امکانات در برخی نقاط و مهاجر پذیری نقاط رشد یافته که قطبی شدن را موجـب شـده و باعث کا هش امکانات می‌شود؛

۴. عدم تخصیص بهینه‌ی منابع و اعتبارات و عدم سیاست گذاری صحیح منطقه ای در این زمینه.

نهایتاً این ناهماهنگی‌ها و تفاوت‌های بین مناطق مختلف ،یکپارچگی و انسجام کافی برای پیـشرفت توسـعه را از بین برده و چند دستگی و اختلافات موجود را در تمامی زمینه‌های توسعه پررنگ ترساخته و این روند در سطح شهر، منطقه و استان تأثیری حتمی و اجتناب ناپذیر دارد و خود به خود سیاست‌های توسعه را هر چنـد درسـت ، دستخوش تغییر و تحولات منفی قرار داده و موانعی برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار فراهم می سازد .

چگونگی توزیع فضایی اعتبارات و سرمایه گذاری‌هـا بـرای رفـع محرومیـت و برخـورداری از امکانـات و خدمات صورت می گیرد و تا حدود زیادی به چگونگی استقرار جمعیـت و منـابع بـستگی دارد. امـا بررسـی وضعیت توزیع اعتبارات در برنامه‌ی سوم توسعه در استان خراسان رضوی نشان می دهد که برخی از منـاطق بـه هر دلیل توانسته اند سهم بیشتری از اعتبارات را به خود جذب کنند. به خصوص چگونگی توزیع اعتبارات ملی در سطح مناطق استان به خوبی نقش جهت گیری‌های دولت و مقامات محلی و قدرت چانه زنی‌هـای بیـشتر را در جهت دادن اعتبارات نشان می دهد.

یکی از زمینه‌های مهم در خصوص شناخت وضعیت نابرابری میان مناطق، بررسی وضعیت سرمایه گـذاری دولت در طول برنامه‌های گذشته است. دولت همواره سعی می کند در ارتباط بـا کـاهش نـابرابری‌هـا و فـراهم

کردن زمینه‌های رشد و توسعه در همه مناطق به تخصیص بهینه‌ی منابع از جمله اعتبارات بپردازد. عملکرد گذشته دولت به این هدف نزدیک نشده است.

در زمینه‌ی اعتبارات ملی، بیشترین سهم به ترتیب شهرستان‌های مشهد با ۶,۳ درصد، سرخس با ۴,۷ درصد ، نیشابور ۲,۷ درصد و اسفراین با ۲,۶ درصد بالاترین سهم از اعتبارات ملی را به خود اختصاص داده اند. شهرستان‌های تایباد ، تربت جام ، درگز، کاشمر ، گناباد، چناران، فریمان ، بردسکن، رشتخوار، کلات ، خلیل آباد هر کدام کمتر از ۰,۵ درصد از اعتبارات ملی را به خود اختصاص داده اند.

در زمینه‌ی اعتبارات استانی، بیشترین سهم به شهرستان مشهد اختصاص دارد. سهم این شهرستان ۱۴,۵ در صد از اعتبارات استانی در طول برنامه بوده است. سهم اعتبارات استانی در سطح استان ۷,۷ درصد از کل اعتبارات بوده است. پس از شهرستان مشهد ، شهرستان‌های سبزوار با ۷ درصد ، نیشابور با ۶,۷ درصد، در رده‌های بعدی قرار دارند. شهرستان‌های رشتخوار، کلات ، خلیل آباد هر کدام کمتر از یک درصد از اعتبارات استانی را به خود اختصاص داده اند. لازم به ذکر است شهرستان‌های مزبور همگی در طول سال‌های برنامه‌ی سوم ایجاد شده اند. این وضعیت نشان می دهد که توزیع اعتبارات در طول سال‌های گذشته متعادل نبوده است.

در خصوص شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی با توجه به اطلاعات جدول ۱ می‌توان گفت که :

۱. بین شهرستان‌های مختلف در زمینه‌ی شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نابرابری‌هایی وجود دارد.

۲. وضعیت برخورداری و توسعه یافتگی بین شهرستان‌ها به صورت هماهنگ نیست. به گونه‌ای که برخی از شهرستان‌ها در زمینه‌ی شاخص‌های اقتصادی دارای وضعیّت مطلوبی‌اند ولی در زمینه‌ی شاخص‌های اجتماعی وضعیّت نامطلوبی دارند.

۳. شهرستان‌های حاشیه ای دارای وضعیت برخورداری نامطلوبتراند. این موضوع بیانگر توسعه‌ی نامتوازن و بخشی نگری در برنامه‌های گذشته بوده است .

۴. شهرستان‌های تازه تاسیس نظیر ؛ کلات، مه ولایت و رشتخوار در شاخص‌های مختلف از وضعیت پایین تری برخوردارند.

۵. شهرستان‌های مشهد، نیشابور ، سبزوار و تربت حیدریه از وضعیت مطلوب در شاخص‌های مختلف برخوردارند.

۶. سرمایه گذاری‌های دولتی که مهمترین نمود سیاست‌های دولت در توسعه مناطق تلقی می‌شود در نواحی مختلف استان و بخصوص در نواحی عقب مانده تر از وضعیت متعادلی برخوردار نبوده و این موضوع در گسترش نابرابری‌ها ی منطقه ای تأثیر گذار بوده است.

۷. میان میزان سرمایه گذاری و درجه‌ی توسعه یافتگی مناطق در این استان ارتباط وجود دارد. این موضوع گرایش‌های سرمایه‌گذاری دولت در برنامه‌های گذشته را در زمینه‌ی محرومیت‌زدایی نشان می دهد. بدین معنی که دولت در برنامه‌های گذشته بیشتر به دنبال محرومیت زدایی از روستاها در شاخص‌های برخورداری آب لوله کشی ، برق ، خانه بهداشت ، مدرسه و تلفن بوده و به وضعیت زیرساخت‌های تولیدی و اقتصادی مناطق روستایی چندان توجه نکرده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که سیاست‌های توزیع اعتبارات دولتی که به عنوان مهمترین سیاست‌های دولت تلقی می‌شود در کاهش نابرابری منطقه‌ای چندان مؤثر نبوده است. این موضوع عدم تجهیز زیرساخت‌های لازم در مناطق حاشیه ای و عدم امکان بهره برداری از منابع محلی را به دنبال دارد. نهایتا نابرابری ، تضعیف انسجام ملی بخصوص در مناطق مرزی و برون گرایی ، تشدید می‌شود.

۸ نتایج تخصیص بدون برنامه اعتبارات در یک دهه و سپری کردن سه برنامه‌ی پنج‌ساله ، امروز این مطلب را بیشتر از هر وقت مشخص ساخته است که رفع فقر و عقب ماندگی مناطق و تعادل بخشی فقط از طریق توزیع اعتبار ممکن نیست. هرچند سرمایه گذاری از پیش شرط‌های این موضوع است، اما تدوین نظام مدیریتی مناسب منطقه ای ، نهاد سازی و مشارکت مردمی و منطقه ای در تصمیم گیری‌ها از مهمترین اقدامات تلقی می شود.

۹. نظریات موجود در خصوص تعادل منطقه ای که گاه به اعتدال خود به خودی مناطق و عدم نیاز به مداخله و گاه تخصیص مجدد منابع در مناطق فقیر را پیشنهاد می کند (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۴۰) ، محقق نشده و یا در منطقه‌ی مورد مطالعه به درستی صورت نگرفته است . به عبارتی تخصیص مجدد منابع در مناطق فقیر به همراه اسباب و الزامات آن صورت نگرفته است . لذا، افزایش کارایی مناطق تا حدود زیاد به کارایی ملی و نهادهای تصمیم گیر ارتباط داشته و باید در شیوه‌های برنامه ریزی تجدید نظر اساسی صورت پذیرد.

۱۰. هر چند استان خراسان دارای محدودیت‌هایی است، اما از قابلیّت‌ها ، امکانات و فرصت‌های موجود در دهه‌های گذشته به شکل مطلوب بهره نگرفته است. نگاه به توسعه در کشور و بخصوص در منطقه‌ی یک، نگاه توسعه از درون و از طریق گسترش مشارکت محلی و تزریق منابع بیرونی برای افزایش کارایی نبوده است. لذا

می توان از طریق سیاست‌های برون نگر و جذب سرمایه گذاری خارجی برای ایجاد و افزایش کارایی منطقه‌ای بهره گرفت.(صرافی ، ۱۳۷۷: ۱۰۱)

پیشنهادها:

۱. افزایش سهم برخی از مناطق در تقسیم کار ملی و منطقه ای و توجه کافی به فضاهای دارای قابلیّت توسعه؛

۲. بازنگری در منطقه بندی سرزمینی با توجه به وضعیّت فعلی مناطق به منظور بازتعریف مناطق جدید برنامه ریزی . معیارهایی که می‌تواند در این منطقه بندی مؤثّر باشد عبارت اند از: شاخص جمعیت ، همگنی طبیعی، همگنی فرهنگی، شیوه یا سبک معیشت، حوزه‌ی نفوذ مکان‌های مرکزی و روابط فاصله‌ای ، وضعیّت برخورداری؛ ضرورت‌های ویژه امنیتی ، تعادل بخشی سرزمینی؛

۳. ناکافی بودن توان اجرایی برخی از مناطق در بخش‌های مختلف اقتصادی ،اجتماعی به منظور به کاربرد تمامی قابلیت‌های توسعه منطقه نظیر شهرستان سبزوار؛

۴. با توجه به گسترش شهرستان‌ها و بخش‌ها در دورهای گذشته، به گونه‌ای که برخی مناطق سطح تقسیمات کشوری به اندازه‌ای کوچک شده‌اند که مسأله‌ی مدیریت را با مشکل روبه رو کرده است. پیوستگی اقتصادی، اجتماعی و محیطی در این قبیل مناطق به اندازه‌ای است که امکان اجرای برخی از پروژه‌ها را به صورت موازی در این مناطق فاقد هرگونه توجیه نموده است. نظیر شهرستان‌های کاشمر، خلیل آباد و بردسکن؛

۵. هماهنگی نسبی بین واحدهای سیاسی و برنامه ریزی به منظور امکان تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی منطقه. برخی از مناطق نظیر سبزوار و نیشابور در زمینه‌های مختلف به تنهایی چند برابر مناطق دیگرند؛

۶. اعمال مدیریت خاص منطقه‌ی مشهد به دلیل استقرار بخش زیادی از جمعیت و فعالیت استان در آن؛

۷. ایجاد مناطق برنامه ریزی در سطح بین استان و شهرستان. این موضوع به دلیل آن است که برنامه‌های سطح استان به جهت گستردگی مناطق و بخش‌ها امکان اجرایی نداشته و لازم است در سطح پایین تر عملیاتی شوند. لذا ایجاد مناطق بینابین استان و شهرستان برای رسیدن به سطح بهینه ای که مصالح منطقه را در راستای برنامه‌ی استان در پیش بگیرد ، ضرورت دارد؛

۸. تخصیص اعتبار بر اساس سطوح توسعه یافتگی و برخورداری: هر ساله اعتبارات ملی و استانی در قالب طرح‌ها و پروژه‌های متعددی به اجرا در می آید. به منظور تخصیص بهینه‌ی اعتبارات در ایجاد تعادل‌های منطقه ای ضرورت دارد تا پس از تعیین ضریب‌های برخورداری نسبت به تخصیص اعتبارات اقدام شود؛

۹. جهت دهی مناطق به سمت تخصص گرایی منطقه ای به منظور دست‌یابی به زمینه‌های رشد و توسعه و ایجاد تعادل‌های منطقه ای. یکی از علل و عوامل نابرابری، خصوصیات ذاتی مناطق، یعنی قابلیّت‌ها و محدودیّت‌های هر منطقه است. از آن جا که هر منطقه دارای قابلیّت‌ها ، محدودیّت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های مخصوص به خود است، لذا، تخصصی شدن مناطق و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ایفای نقش و کارکرد لازم در روند توسعه‌ی استان، می تواند در کاهش نابرابری‌ها و فراهم شدن زمینه‌های رشد و توسعه هر منطقه مؤثر واقع شود؛

۱۰. ایجاد و تقویت نهادهای منطقه ای مناسب به منظور منطقه ای کردن برنامه‌های بخشی و ایجاد تعامل‌های منطقه ای . این موضوع از طریق ظرفیّت سازی نهادی و تقویت تشکل‌های مردمی ممکن خواهد بود.

توضیحات:

در این مقاله بخشی از نتایج طرح پژوهشی با عنوان "بررسی وضعیت نابرابری و چگونگی عدم تعادل‌ها در استان خراسان رضوی" مورد استفاده قرار گرفته است . این طرح در حوزه معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

منابع و مآخذ:

۱. الهی ، محمود ، ۱۳۷۹ ، "*بررسی تعیین درجه توسعه نیافتگی نقاط روستایی استان کرمان به تفکیک شهرستان و بخش با استفاده از روش تاکسونومی*"، مجله‌ی کاوش،مجموعه مقالات اقتصادی ـ اجتماعی .

۲. بنجامین هیگنیز و دانلدساوی، ۱۳۷۶ ، *سیاست گذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگون*، گروه مترجمین، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.

۳. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵ ، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی،.

۴.حسینی ، میرعبدا... ، ۱۳۷۰ ، "*مقایسه درجه توسعه یافتگی روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش طبقه بندی تاکسونومی*" ، ماهنامه جهاد ، شماره ۱۸۴–۱۸۵ ، وزارت جهاد سازندگی.

۵.حسام ، فصل‌الله، ۱۳۷۲ ، *نقدی برروش تاکسونومی‌درتعیین‌توسعه‌یافتگی مناطق روستایی* ، استان چهارمحال بختیاری،معاونت برنامه‌ریزی‌و هماهنگی، سازمان برنامه و بودجه استان چهار محال بختیاری .

۶. حکمتی فرید ، صمد ،۱۳۸۲ ، *رتبه بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از نظر توسعه* ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی آذربایجان شرقی .

۷. حیاتی ، علی ، ۱۳۸۰ ، *دولت و رشد*، ترجمه ، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی،.

۸- زیاری، کرامت اله ، ۱۳۸۳، *مکتب‌ها نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای*، یزد: دانشگاه یزد.

۹. زینل زاده ، رضا ، ۱۳۷۹ ، "*تعیین درجه توسعه نیافتگی اقتصادی شهرستان‌های استان کرمان* "، مجله‌ی کاوش ، مجموعه مقالات اقتصادی ـ اجتماعی .

۱۰. سازمان برنامه و بودجه ،۱۳۷۳، *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور* ، تهران ، مرکز مدارک و انتشارات.

۱۱. سازمان مدیریت وبرنامه ریزی ، ۱۳۸۳، سالنامه آماری استان خراسان ۱۳۸۲، معاونت آمار و اطلاعات .

۱۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان ، ۱۳۸۴، *گزارش اقتصادی ، اجتماعی شهرستان‌های استان* ، معاونت اقتصادی و برنامه ریزی.

۱۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان رضوی ، ۱۳۸۴ ، *آمار اعتبارات ملی و استانی* ، معاونت بودجه و نظارت و معاونت فنی ،.

۱۴. شهدادی، هرمز،۱۳۶۷ ، *کاربرد شاخص های‌اقتصادی ـ اجتماعی‌در برنامه ریزی‌توسعه*، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۱۵. صرافی ، مظفر، ۱۳۷۷، *مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای*، تهران: مرکز مدارک و انتشارات سارمان برنامه و بودجه .

۱۶. طاهری شهنام ، ۱۳۷۶ ، *توسعه اقتصادی و برنامه ریزی* ، تهران ، نشر آروین .

۱۷.کامران ، فریدون، ۱۳۷۴ ، *توسعه وبرنامه‌ریزی روستایی*, تهران , انتشارات آوای نو ،

۱۸. مصلی نژاد، غلامعباس، ۱۳۸۴، *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: قومس.

۱۹. معمارزاده ، قدرت الله ، ۱۳۷۴ ، *گزارش توسعه انسانی* ، تهران ، سازمان برنامه و بودجه .

۲۰. یاسوری ، مجید ، ۱۳۸۳ ، *توزیع فضایی سرمایه گذاری دولت در برنامه‌ی سوم توسعه*، جهاد دانشگاهی مشهد و سازمان مدیریت وبرنامه ریزی استان خراسان ،

۲۱. یاسوری ، مجید، ۱۳۸۲ ، *تعیین درجه‌ی توسعه یافتگی روستایی استان خراسان* ، طرح پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد، گروه جغرافیا.

۲۲. Johnson, E.A. ۱۹۷۰, The Organizationof space in Developing Country,Mass,Cambridge